



دنیا و آخرت از چشم انداز نهج البلاغه

سید حمید هاشمی



چنانچه در آینه جمال و کمال، زلالترین و شفافترین چهره،
چهره تابناک و پر فروغ علی ایطالباء است. در گفتارها و
نوشتارهای بشری نیز، حکمت بارترین و جهت دهنده ترین
گفتار، نهج البلاغه آن بی بدیل تاریخ است.

پیر خردمند جماران، در فوازی از بیاضی به شرکت کنندگان
کنگره هزاره نهج البلاغه چنین می نگارد:

«... و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح او، برای تعلیم و
تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خودخواهی خود،
معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و
اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه یک انسان
و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به
پیش رود و هرچه جامعه ها بوجود آیند و دولت ها و ملت ها محقق
شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیابند و در آن
غور کنند، غرق شوند.»^۱

گستره مفاهیم بلند و انسان ساز این کتاب وحی گونه که
ابشخور از اندیشه الهی آن یکتا نسخه کمیاب هستی، دارد، با
گذشت قرن ها از صدور آن هرگز لباس کهنگی در تن نکرده است
و زمان ها و اعصار را یکی پس از دیگر، در نور دیده و نسل اندر
نسل، روشن کننده افکار انسانها بوده و خواهد بود. بدیهی است
که انسان محقق با جولان توسن اندیشه در سبزه زارهای چمن

دنیا و آخرت از چشم انداز نهج البلاغه

نهج البلاغه و کاوشگری در آن هرگز نمی‌تواند در یک مقاله کوتاه گفتارهای گهرافشان آن نازنین هستی را به بررسی بنشیند و اهداف آن مولای عارفان را از آن سخنان، در چند صفحه مختصر بیان دارد، چه این کار همچون بحر را در کوزه کردن محال می‌باشد اما بر فرض اینکه:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

برآنیم که در این نوشتار مختصر، دنیا و آخرت را از چشم‌انداز نهج البلاغه بنگریم تا در جهان‌بینی و آخرت‌نگری خود راه ناصواب ترفته باشیم که این کار ضرری است عظیم و خسارتی است جبران‌ناپذیر.

بر خلاف پندار انسانهای غافل و مقدس‌نماهای کج‌مدار که از تعلیمات الهی بدور و با بدبینی مطلق نسبت به دنیا نگرسته و آنرا با فحش و ناسزا تحقیر کرده‌اند و نیز بر خلاف اندیشه‌های خیالی دنیا پرستان که گول ظواهر آن را خورده و اسیر و برده این خاکدان گردیده‌اند، مولای تقوایبشگان که در سراسر دریای بیکران وجودش منطبق الهی موج می‌زند، از منظر دیگر به جهان دنیا نگاه می‌کند و این است که بر خلاف پندار گروه اول، دنیا را جایگاه صدق و واقع‌یابی میدانند برای کسیکه واقعیت آنرا دریابد و جایگاه زندگی سالم و منطقی می‌نامد برای آنان که آنرا



«چه توصیف کنم دربارهٔ دنیائی که آغازش مشقت است و پایانش فنا، در حلالش حساب است و در حرامش عقاب. هر کس که در این دنیا احساس بی‌نیازی کند، گمراه و مفتون گردد و اگر مبتلا به فقر شود، اندوهگین گردد. کسیکه برای این دنیا به تلاش بیافشد، او را ترک گوید و کسی که دربارهٔ دنیا بی‌اعتنائی کند، دنیا به سراغ او آید و مطیعش گردد. کسیکه از این دنیا وسیلهٔ بینائی جوید، او را بینا سازد و کسیکه در او بنگرد و خیره شود نابینایش نماید



بشناسند، جایگاه

استغنائی تکاملی می‌خواند برای کسانی که از امتیازاتش بهره‌برداری کنند، جایگاه پندگیری و تجربه‌اندوزی می‌داند، برای کسانی که آماده تجربه و پندگیری باشند بلکه دنیا را عبادتگاه دوستداران شاخ‌ربوی و نمازگاه فرشتگان خداوندی معرفی می‌کند و نیز می‌فرماید:

«این دنیا است که شایستگی نزول وحی الهی را دارد، جایگاه اکتساب کمال و رشد اولیاء الله که تکاپوگران راه کمالند همین دنیا است.»^۲

و نیز بر خلاف تصور گروه دوم که سراب را آب پنداشته و فریب زرق و برق آنرا خورده، حضرت، دنیا را این‌گونه توصیف می‌کنند:

آب‌بخور این دنیا تیره و چشمه‌سارش گل‌آلود و دارای منظرهای است‌فریب و بی‌اعتنائی به آزمایش‌هایش مهلک، فریبنده است در حال دگرگونی‌ها و روشنائی است در معرض نزول و سایه‌ای است در حال برچیده شدن و تکیه‌گاهی است بی‌ثبات.

دنیا که حباب است و لکن چه حباب

نه بر سر آب بلکه بر روی سراب

آن هم چه سرابی که ببینند به خواب

آن خواب، چه خواب، خواب بدمست خراب

امام پرهیزگاران جهت‌تئویر افکار کسانی که در دنیا جاخوش کرده و زندگی در آن را پایدار پنداشته‌اند چنین هشدار می‌دهد: آگاه باشید، استمرار حیات دنیا هر لحظه قطع می‌شود و به گذشته می‌خزد و انقراض لحظات خود را اعلام می‌دارد، و حقیقت اصلی آن که در پشت پرده است، ناشناخته می‌باشد.

دنیا با سرعت شدید پشت به زندگان می‌نماید و ساکنان خود را بسوی فنا دفع می‌کند و همسایگانش را با آهنگ مرگ می‌راند.^۲

پس رخت از آن بر بندید، با نیکوترین توشه‌ای که شما را آماده است، و میرسید در دنیا افزون از آنچه شما را بسنده است و خواهید در آن بیشتر از آنچه شما را کفایت کننده است.^۶

از تعمق در برخی از خطبه‌های نهج البلاغه روشن می‌شود که امام (ع) با همه سرزنش‌هایی که نسبت به دنیا دارد، در سخنان در افشان‌اش، ارزش دنیا را پائین نیاورده، بلکه ارزش انسان را بالا برده است. گویا علی (ع) دنیا را برای انسان می‌خواهد نه انسان را برای دنیای خاکی و جهان مادی و لیس‌المسجر آن تری الدنيا لنفسک ثمناً. (بد معامله‌ای است که دنیا را قیمت خودبینی و شخصیت خود را با جهان برابر کنی و برای همه جهان ارزشی مساوی با انسانیت خویش قائل شوی، جهان را به بهای انسانیت خویش بخری.^۷

پیام جمله انسان ساز فوق این است که: انسانیت انسان به هیچ قیمتی نباید از دست برود و نیز هدف مولا از بیان بی‌ثباتی و ناپایداری دنیا، احیای ارزشهای انسانی است نه بی‌اعتبار کردن ارزشهای جهان زیبا؛ علی (ع) در همه هستی، تنها پروردگار متعال را قابل معامله با خویشتن می‌داند و از نظر او هیچ چیز دیگر که در عالم هستی ارزش برابری با انسان را داشته باشد وجود ندارد.

مفهوم جملات نورانی نهج البلاغه در مذمت دنیا این است که: مقام انسان و ارزشهای عالی او برتر و بالاتر از این است که خویشتن را «بسته»، «اسیر» و «برده» مادیات این جهان نماید: «و نعم الدار ما لم یرض بها داراً»^۸ (دنیا خانه خوبی است اما برای کسیکه آن را خانه دائمی و قرارگاه همیشگی خود نماند.) و نیز می‌فرماید: (دنیا خانه بین راه (مسافر خانه) و گذرگاه



از این رو است که فرزند ابیطالب با سخنان بیدار گرش زنگ خطر می‌نوازد تا خواب‌رفتگان غافل را از زندگی سکرآور دنیا بیدار نماید لذا چنین اخطار می‌دهد: از آنکه پیش از شما در گذشته‌اند پند بگیرید، پیش از آنکه، آنان که پس از شما خواهند آمد، از شما پند بگیرند! این دنیا را درحالیکه قابل سرزنش است رها کنید، زیرا این دنیا کسانی را بدور انداخته است که مهربانتر از شما باین دنیا بوده‌اند.^۹

در دنیای بی‌ثبات و ناپایداری که حیات انسان هیچگونه ضمانت بقاء نداشته همچون کف روی آب لحظه‌ها را به استقبال فنا سپری می‌کنند چه باید کرد؟ آیا دست‌روی دست گذاشتن و زانوی غم در بغل گرفت؟ و یا همچون مادران فرزندان مرده در حسرت ناپایداری دنیا گریست و بدون بدست آوردن هیچ اندوخته مادی و معنوی در انتظار مرگ به سر برد؟ یا راه معقولی هم وجود دارد؟!

در پاسخ چنین پرسشهایی علی (ع) آن خانه زاد کعبه نظر می‌دهد و ابتداء درباره فناپذیری و ناپایداری دنیا، اشارتی داشته سپس متحیران وادی پر زرق و برق و فریبنده دنیا را به برگرفتن ره توشه سفر پر مخاطره آخرت فرمان می‌دهد: دنیا خانه‌ای است ناپایدار، و مردم آن ناچار از گذاشتن شهر و دیار، دنیا شیرین است و خوشنما، در پی خواهانش، شتابان است و بویا و دل بیننده را فریبا.

اهام پرهیزگاران جهت تنویر افکار کسانیکه در دنیا جاخوش کرده و زندگی در آن را پایدار پنداشته‌اند چنین هشدار می‌دهد:

آگاه باشید، استمرار حیات دنیا هر لحظه قطع می‌شود و به گذشته می‌خزد و انقراض لحظات خود را اعلام می‌دارد، و حقیقت اصلی آن که در پشت پرده است، ناشناخته می‌باشد.

دنیا با سرعت شدید پشت به زندگان می‌نماید و ساکنان خود را بسوی فنا دفع می‌کند و همسایگانش را با آهنگ مرگ می‌راند



است نه خانه اصلی و قرارگاه دائمی، پس از این «گذرگاه» برای خانه اصلی و قرارگاه دائمی خود (توشه) برگزید.^۹ بنابراین خود جهان مذموم نیست، آنچه مردود و مذموم است چگونگی حاصل ارتباط انسان با جهان طبیعت است که می شود از آن به (وابستگی و تعلق) یا (بردگی و بندگی دنیا) و امثال آن، تعبیر نمود که لازم است آدمی از آن تعلقات آزاد باشد تا راه کمال و تعالی بییابد.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

رابطه انسان با جهان دنیا

در فراز و فرود تاریخ بشری، انسانها و مکاتبی بوده (و فعلاً نیز هستند) که نسبت به نظام آفرینش با دیده بدبینی می نگرند، نظام موجود را نظام کامل نمی پندارند و نیز (افراد) و مکتبهایی بوده (و هستند) که آمدن انسان را به این جهان نتیجه یک اشتباه! و از نوع راه گم کردن می دانند. انسان را زندانی این جهان می پندارند، یوسفی که بدست برادران دشمن در چاه این جهان محبوس گشته است و تمام مساعی اش باید صرف فرار از این زندان و بیرون آمدن از این چاه گردد.^{۱۰}

اما از منظر نهج البلاغه و مکتب حیات بخش اسلام، رابطه انسان و جهان از نوع رابطه زندان و زندانی نیست بلکه از نوع رابطه کشاورز است با مزرعه^{۱۱} و یا اسب دونده با میدان مسابقه^{۱۲} و یا سوداگر با بازار تجارت^{۱۳} و یا رابطه عابد با معبد^{۱۴} و غیره.

علی بن ابیطالب (ع) دنیا را کاملاً می شناسد و توانسته است حداکثر بر خورداری شایسته از دنیا را داشته باشد. و اوست که در توصیف «چگونه زیستن» چنان سخن می گوید که گوئی از آغاز زندگی نخستین، بشر در روی زمین تا کنون با همه انسان ها و در همه شئون زندگی آنان ارتباط داشته و همه آنها را مانند یک عده نموده ای عینی فیزیکی مشاهده، تحقیق و ارزیابی نموده است و این مفهوم در (وصیتش به امام مجتبی (ع) ظهور یافته است.^{۱۵}

مهلت برای هدایت

انسانها در این دنیا برای پیدا کردن رامتجات مهلت داده شده و به راه روشن ارشاد گردیده اند.^{۱۶} حقیقت این است که این مهلت برای همه انسانها وجود دارد اما تنها بیدار دلان شهبای تاریخ، فریبنده و زودگذر دنیا هستند که می توانند از گذشت لحظه ها، استفاده بهینه نمایند با اینکه فرصت های طلایی زندگی چنان باارزشند که یک لحظه غفلت از آن یک عمر پشیمانی را به دنبال خواهد داشت.

رفتیم که خار از پا کشم محمل پنهان شد از نظر
یک لحظه غافل گشتم و صد ساله راهم دور شد
و حافظ نیز در غنیمت شماری فرصت از دنیا چنین می گوید:
بر لب بحر فنا منتظریم ای صافی

هدف مولا از بیان بی ثباتی
و ناپایداری دنیا، احیای ارزشهای
انسانی است نه

بی اعتبار کردن ارزشهای جهان
زیرا؛ علی (ع) در همه هستی،
تنها پروردگار متعال را قابل معامله
با خویشتن می داند

و از نظر او هیچ چیز دیگر که در عالم هستی
ارزش برابری با انسان را داشته باشد وجود
ندارد

فرستی دان که

زلب تا به دهان این همه نیست

برای انسان هشیار و متحرک که این دنیا را با دیده خرد می نگرد، آگاهی یک لحظه (همچون حرین یزید ریاحی و یا فضیل بن عیاض) برای بستن بار سفر، در حرکتی که در پیش گرفته است، کافی است ولی برای انسان مست و ناهشیار که به جای حرکت به پیش در این دنیا، دور خود می پیچد، طولانی ترین عمر هم نمی تواند او را به خود آورده و بداند که به کجا می رود و در این مهلت چه ذخیره ای را می تواند برای خود بیندوزد.^{۱۷}

حد نهائی توصیف درباره دنیا را می توان در مضامین وحی گونه خطبه ۸۲ جستجو نمود آنجا که امام (علیه السلام) می فرماید:

«چه توصیف کنم درباره دنیائی که آغازش مشقت است و پایانش فنا، در حلالش حساب است و در حرامش عقاب، هر کس که در این دنیا احساس بی نیازی کند، گمراه و مقنون گردد و اگر مبتلا به فقر شود، اندوهگین گردد. کسیکه برای این دنیا به تلاش بیافتد، او را ترک گوید و کسی که درباره دنیا بی اعتنائی کند، دنیا به سراغ او آید و مطیعش گردد. کسیکه از این دنیا وسیله بینائی جوید، او را بینا سازد و کسیکه در او بنگرد و خیره شود نایبش نماید.^{۱۸}»

این دو جمله اخیر که به فرموده علامه فقید استاد جعفری (ره) «همه حکمت و معرفت را برای بشریت عرضه می کند و با کمال اشراف به عالم هستی و انسانی، که با آن ارتباط برقرار می کند گفته شده است»^{۱۹} پیامی هشداردهنده دربر دارد:

اگر بخواهیم از دنیایی که در آن زندگی می کنیم وسیله بینایی و عبرت بدست آوریم، سراسر دنیا و تمامی لحظات آن مایه عبرت و وسیله بینایی، پندگیری و بیداری از خواب های خرگوشی بوده، ولی اگر در جلوه های فریبنده آن خیره شویم زرق و برق های، آن چنان درخشنده می نماید که انسان خیره شونده را کور می سازد آنگاه است که انسان در گودال مخوف مادیت حبس

از آنانکه پیش از شما در گذشته‌اند پند بگیرید، پیش از آنکه، آنان که پس از شما خواهند آمد، از شما پند بگیرند! این دنیا را در حالیکه قابل سرزنش است رها کنید، زیرا این دنیا کسانی را بدور انداخته است که مهربانتر از شما باین دنیا بوده‌اند



و زندانی می‌شود و حتی مرگ هم نمی‌تواند راه نجات وی باشد.

گویا مولای پروا پیشگان گوش زد می‌کند که، تو انسانی و اگر بخواهی به پول و ثروت و مقام و شهرت و شکم و شهوت جذب شوی و در جاذبه‌های زودگذر این دنیا خیره گردی کور خواهی شد و هرگز نمی‌توانی در راه حیات معقول و انسانی قدم برداری و از پله‌های کمال به بالا صعود نمایی. اما اگر بخواهی از همین دنیای فریبا، وسیلهٔ بینایی و بیداری جویی، بینا و بیدار خواهی شد زیرا مایه‌های عبرت در این دنیا فراوان است و بی‌شمار، و هر کس بخواهد از آن پند و عبرت گیرد بینا خواهد شد و راه را درست طی خواهد کرد.

علت اصرار امام (ع) بر فانی بودن دنیا

با اینکه همهٔ انسانها در تمام تاریخ بشری دانسته و میدانند که زندگی همهٔ زندگان، فانی و پایانی پذیر است، این همه اصرار در نهج البلاغه دربارهٔ فانی بودن و بی‌ثباتی دنیا چه علتی می‌تواند داشته باشد؟ پاسخ چنین پرسشی را یکی از خطبه‌های نهج البلاغه داده است آنجا که امام علی (ع) می‌فرماید:

«کسیکه از این دنیا وسیلهٔ بینایی جوید او را پینا سازد و هر کس که در دنیا بنگردد و در آن خیره شود، ثابت‌نایب نمی‌ماند.»
از آنجائیکه به تجربه روشن گردیده که تعداد کثیر ندگان و در دنیا بسیار فراوان و در مقابل آن، تعداد عبرت گیرندگان و بینایی جویان از دنیا، اندک و انگشت شمارند و از خیره گشتن در دنیا، کور و نایب می‌شوند امام علی (ع) جهت بینایی و بیداری مردم اصرار می‌ورزد که ای انسان غافل! زیبایی‌های دنیا و فریبندگی آن، تو را در غفلت غوطه‌ور ساخته و یاد مرگ و سرای آخرت را از دلت ربوده است بیدار باش که دنیا بی‌ثبات و ناپایدار بوده و تو خود نیز در این دنیا مسافری بیش نخواهی بود، پس بار سفر بند که: «جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محملها»

و از طرفی نیز چون شیرینی و دلربایی زندگی در دنیا و مشغله‌ها و گرفتاری‌های روزمرهٔ آن به قدری قوی و نیرومند است که اعتقاد به مرگ را در مقابل جاذبهٔ دنیا کم‌رنگ ساخته و علم را به شک تبدیل می‌کند. امام (ع) اصرار بر فانی بودن دنیا دارد و جهان خاکی را محل عبور و گذرگاه میدانند و برای زندگی ابدی در سرای آخرت، به بر گرفتن ره توشه و انجام اعمال

پسندیده تأکید می‌کند و از سر تنبیه و بیدادگری بر ناپایداری و فناپذیری دنیا اصرار می‌ورزد.

آخرت از چشم انداز نهج البلاغه

از دیدگاه امام (ع) آخرت سر منزل مقصود است و خانهٔ همیشگی و سرای پایدار ۲۰، که هرگز بی‌ثباتی نخواهد داشت و نیز از چشم انداز نهج البلاغه قیامت (آخرت) پایان کار است لذا حضرت سفارش می‌کند: قبل از آنکه قیامت فرا برسد خود را برای آمدن آن مهیا کنید؛ ۲۱ دنیا مکان ریاضت است اما آخرت روز مسابقت و پیشی گرفتن و خط پایان هم دروازهٔ بهشت، که اگر کسی بدان نرسد در دوزخ جایگزین خواهد شد. ۲۲ پس بیدار باشید ممارست و تمرین نمائید و همیشه در صراط مستقیم حرکت کنید و کج، راه مروید! که اگر به نیکو رفتن عادت کردید از صراط می‌گذرید و به بهشت می‌رسید و اگر به کج رفتاری خو گرفتید در جهنم سقوط خواهید کرد! امام (ع) که آخرت را اقامتگاه دائمی انسان می‌داند در (وصیتش به امام مجتبی (ع) سفارش می‌کند: «... فاصلح مثواک و لاتبع آخرنک بدنیاک» ۲۳ ... پس در نیکو ساختن اقامتگاه خویش بکوش، و آخرت را بدینا مفروش.

امام (ع)، مردم را از دو چیز بیم می‌دهد: ۱- پیروی کردن از خواهشهای نفسانی ۲- آرزوی دراز؛ «خواهش نفس، آدمی را از راه حق بازمی‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد» و چون از دیدگاه حضرت، آخرت روز حساب و شمار ۲۴ است نه مجال و فرصت کار، نباید چنین روزی را با آرزوهای دراز به تاق نسیان سپرد و از آن غافل شد.

مولای پرهیزگاران دربارهٔ جهنم نیز سخن از همیشگی بودن و پایداری آن به میان آورده و آنرا چنین توصیف می‌کند: «نه مائیدن را مدتی است که سر رسد و نه مردم را اجلی که در رفتند» پس «از آتشی بهره‌بیزید که گرمی آن سخت است و زرقای آن ... و پر از بیم، زیور آن آهن - گداخته - و نوشیدنی آن زردآب است و چرک ۲۵»

و همچنین در جائیکه به پاداش نیکوکاران اشاره می‌کند، بهشت را ملک همیشگی و نعمت پایدار می‌نامد و می‌فرماید: «پس خدا بهشت را بازگشتگاه آنان ساخت و پاداش ایشان را نیکو پرداخت و آنان در خور آن ثواب بودند و بدان سزاوار، با ملک همیشگی و نعمت پایدار» ۲۶

و نیز بهشت را این گونه توصیف می‌کند: «پایه‌هایی فروتر و برتر، منزلهایی برخی از برخی بهتر، نه نعمت آن بریده گردد و نه باشدند آن از آنجا رخت بر بندد، و نه آنکه در آن جاویدان است پیر شود، و نه آنکه در آن ساکن است فقیر» ۲۷

آیا بین دنیا و آخرت تضادی وجود دارد؟

عده‌ای چنین معتقدند که دنیا و آخرت با هم ضدیت داشته

همچون مشرق و مغربند که نزدیک شدن به یکی دور شدن قهری از دیگری را بدنبال دارد و ممکن نیست بتوان این دو را جمع کرد، هم دنیا را داشت و از آن بهره‌مند گشت و هم آخرت را بدست آورد و در بهشت مخلد بود لذا قائل به تضاد بین این دو هستند. اما منطلق نهج البلاغه هرگز چنین اعتقادی را تأییه نمی‌کند که؛ برخورداری از دنیا مستلزم محرومیت از آخرت باشد. چنانچه کار و تلاش برای آخرت هیچگاه موجب محرومیت از دنیا نبوده، برخورداری از نعمت‌های حلال دنیا نیز هرگز سبب از دست دادن آخرت نخواهد شد، تنها در صورتی این دو قابل جمع نیستند که دنیا و آخرت هر دو، هدف‌اعلای زندگی انسان قرار گیرند. پس در نتیجه یا باید دنیا هدف‌اعلای انسان باشد و یا آخرت، که البته اگر آخرت هدف اصلی باشد دنیا نیز در کنارش تأمین خواهد شد چنانچه امام (ع) میفرماید:

الناس في الدنيا عاملان: عامل في الدنيا للدنيا... و عامل عمل في الدنيا لما بعدها ۲۸.

مردم در دنیا دو نوع عمل می‌کنند: بعضی دنیا را هدف قرار داده برای آن تلاش می‌کنند و برخی دیگر آخرت را هدف‌اعلای زندگی قرار داده تمام کارهایش برای همان هدف است. اما این خود بخود و بدون آنکه کاری برای آن و به خاطر آن صورت گرفته باشد به او رو می‌آورد، نتیجه این است که بهره دنیا و آخرت را توأماً احراز می‌کند و مالک هر دو خانه می‌گردد چنین کسی صبح می‌کند در حالیکه آبرومند نزد پروردگار است و هر چه از خداوند بخواهد به او عطا می‌کند ۲۹.

امام (ع) نتایج تلاش آدمی را برای صرف زندگی دنیا بر باد رفته تلقی کرده و نتایج کار و کوشش برای آخرت را اندوخته همیشگی می‌داند و می‌فرماید:

«مردم در این دنیا در فتنه آزمایش می‌شوند و آنچه را که از این دنیا برای این دنیا گرفته‌اند، از دست‌شان گرفته خواهد شد و در پایان کار درباره هر چه گرفته‌اند، محاسبه خواهند گشت و آنچه را که از این دنیا برای غیر دنیا (آخرت) گرفته‌اند و او به سوی آن رفته و در اندوخته خود اقامت خواهند نمود. ۳۰»

حال که دنیا ناپایدار است و آخرت برقرار و دنیا گذرگاه و آخرت اقامتگاه و با اینکه نمی‌شود هر دو را هدف‌اعلای زندگی قرار داد چگونه می‌توان هم از نعمت‌های دنیا بهره‌مند گشت و هم قرارگاه ابدی را آباد نمود رمزش چیست؟ در این راستا علامه فقیه، استاد جعفری (ره) می‌فرماید:

«پس چه باید کرد که زندگی ما در این دنیا دارای معنایی باشد که زر و زیورها و لذائذ و زیبایی‌های دنیا با آمدن و رفتن خود جان عزیز ما را متلاطم نسازد، دریغ‌ها و افسوس‌ها، جان ما را مجروح ننماید و در پایان کار احساس بوجی نکنیم باید گفت: فقط یک اصل است که می‌تواند معنای مزبور را به زندگی ما ببخشد و این اصل چنین است:

اعمل لدنیاک کانک تعیش ابداً واعمل لاخرتک کانک تموت غداً.» «برای دنیای خود چنان عمل نما که گویی زندگانی

تو در دنیا، جاویدانی است و برای آخرت خود چنان عمل نما که گویی فردا خواهی مرد.»

پی‌نوشت‌ها :

- ۱ - صحیفه نور ج ۱۴ ص ۲۲۴
- ۲ - خطبه (۸۷) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ج ۱۴ ص ۳۰۰ علامه محمدتقی جعفری ره.
- ۳ - خطبه (۸۳) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ج ۱۴ ص ۳۰ علامه محمدتقی جعفری ره.
- ۴ - قسمتی از خطبه (۵۲) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ج ۱۰ ص ۱۳۰ علامه محمدتقی جعفری ره.
- ۵ - همان مدرک ج ۸ ص ۱۴۲ علامه محمدتقی جعفری ره.
- ۶ - فرازی از خطبه (۴۵) نهج البلاغه ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۴۱.
- ۷ - فرازی از خطبه (۳۲) نهج البلاغه، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۸۲. استاد شهید مطهری (ره).
- ۸ - فرازی از خطبه (۲۲۱)، نهج البلاغه، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۸۲، استاد شهید مطهری (ره).
- ۹ - فرازی از خطبه (۲۰۱)، نهج البلاغه، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۸۲، استاد شهید مطهری (ره).
- ۱۰ - فرازی از خطبه (۲۰۶)، نهج البلاغه، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۶۶، استاد شهید مطهری (ره).
- ۱۱ - دنیا میز عذاب الاخرة - حدیث نبوی.
- ۱۲ - قسمتی از خطبه ۲۸ - الا و ان الیوم المصمار و غلا السباق.
- ۱۳ - دنیا... متجر اولیاء الله - حکمت ۱۳۱.
- ۱۴ - دنیا... مسجد احباء الله - حکمت ۱۳۱.
- ۱۵ - دنیا... مسجد احباء الله - ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۰. علامه محمدتقی جعفری (ره).
- ۱۶ - فرازی از خطبه (۸۳).
- ۱۷ - فرازی از خطبه (۸۳) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۵۱. علامه محمدتقی جعفری (ره).
- ۱۸ - خطبه (۸۲) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۵، علامه محمدتقی جعفری (ره).
- ۱۹ - خطبه (۸۴) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۵، علامه محمدتقی جعفری (ره).
- ۲۰ - خطبه (۲۰۳)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۳۸.
- ۲۱ - خطبه (۱۹۰)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۰۷.
- ۲۲ - خطبه (۲۸)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۹.
- ۲۳ - خطبه (۲۸)، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۹۶.
- ۲۴ - خطبه ۲۴، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۴۰.
- ۲۵ - خطبه ۱۲۰، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۱۱۸.
- ۲۶ - خطبه ۱۹۰، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۰۷.
- ۲۷ - خطبه ۱۹۰، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۶۷.
- ۲۸ - حکمت ۲۶۹.
- ۲۹ - سیری در نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۳۰۹.
- ۳۰ - از خطبه ۶۳.

